

[View the original article](#)

فراتر از خبر

تأملات امین معلوف؛ انسان در عصر «ابهام سیاسی» به کجا می‌رود؟

راديو فردا

۱۴۰۵/آبان/۰۷



امین معلوف، نویسندهٔ فرانسوی-لبنانی و دبیر دائمی آکادمی فرانسه

«ما نمی‌توانیم جلوی آن را بگیریم و حتی نمی‌توانیم سرعتش را کاهش دهیم؛ اما هنوز می‌توانیم مسیر آن را هدایت کنیم تا به جای کابوس‌هایمان، در جهت رؤیاهایمان پیش برود. منظورم دگردیسی‌ای است که پیشرفت‌های شگفت‌انگیز علوم و فنون آغازگر آن بوده‌اند و اکنون به‌گونه‌ای عمیق و برگشت‌ناپذیر، آیندهٔ گونهٔ انسانی را زیر سؤال می‌برند».

این اولین جملات کتاب «قرن دگردیسی ما» نوشته امین معلوف است که به تازگی از سوی انتشارات گراسه در پاریس منتشر شده است.

هوش مصنوعی مولد، زیست‌فناوری و مهندسی ژنتیک، انرژی‌های تجدیدپذیر و بحران اقلیمی، از موضوعاتی هستند که در این کتاب در چارچوب تحولی واحد بررسی می‌شود؛ تحولی که به باور نویسندگان، صرفاً مرحله دیگری از پیشرفت علمی نیست، بلکه می‌تواند ساختار زندگی و حتی تعریف انسان از خویش را تغییر دهد.

این نویسنده مطرح فرانسوی-لبنانی و دبیر دائمی آکادمی فرانسه، در کتاب تازه‌اش این پرسش را مطرح می‌کند که در جهان کنونی که ماشین‌ها به سرعت توانایی‌های انسان را تصاحب می‌کنند، جایگاه انسان چه خواهد شد؟ آیا این پیشرفت‌ها به شکوفایی بی‌سابقه تمدن می‌انجامد یا ممکن است انسان را به موجودی حاشیه‌ای و بی‌اهمیت تبدیل کنند؟

نویسنده در قامت جستارنویس

اهمیت معلوف که در سال ۱۹۹۳ برای رمان «صخره تانیوس» برنده گنکور، معتبرترین جایزه ادبی فرانسوی‌زبان شد، تنها به آثار داستانی او محدود نمی‌شود؛ او به‌عنوان جستارنویس نیز در تحلیل مسائل هویتی، بحران‌های سیاسی و روابط میان شرق و غرب جایگاه مهمی دارد.

به همین دلیل، کتاب «قرن دگردیسی ما» را نیز که در قالب یک جستار نوشته شده، باید در امتداد کتاب‌های مشابه او خواند که طی چند دهه گذشته منتشر شده است.

یکی از مهم‌ترین آثار او در این زمینه، «هویت‌های مرگبار» (۱۹۹۸) است. معلوف در این کتاب نشان می‌دهد که انسان‌ها هویت‌های چندگانه‌ای دارند و تقلیل هویت به یک دین، ملیت یا تعلق فرهنگی می‌تواند به طرد دیگران، تعصب و خشونت منجر شود. این اثر در سال ۱۹۹۸ جایزه اروپایی جستار شارل ویون را دریافت کرد.

این نویسنده در کتاب‌هایی مانند «آشفستگی جهان» (۲۰۰۹) و «غرق شدن تمدن‌ها» (۲۰۱۹) نیز به بررسی بحران ارزش‌ها، تحولات جهان عرب، ضعف الگوهای سیاسی و اقتصادی و دگرگونی نظم بین‌المللی می‌پردازد. در کتاب «هزارتوی گم‌گشتگان» (۲۰۲۳)، با مرور تاریخ ژاپن، روسیه، چین و آمریکا، می‌کوشد ریشه‌های رقابت‌های کنونی قدرت‌های جهانی را توضیح دهد.

ویژگی اصلی معلوف به‌عنوان جستارنویس، نگاه تاریخی و انسانی او به مسائل روز است. تجربه زندگی میان دو جهان فرهنگی، یعنی لبنان و فرانسه، به او امکان می‌دهد تحولات شرق و غرب را از زوایای مختلف بررسی کند و هم‌زمان از افراط‌گرایی، تعصب هویتی و تناقض‌های جوامع گوناگون انتقاد کند.

در زمینه شیوه‌ای که برای نوشتن به کار می‌گیرد، کتاب معلوف یک کتاب دانشگاهی برای اثبات یک نظریه نیست، بلکه می‌کوشد ارتباط میان پدیده‌هایی را بیابد که معمولاً جدا از یکدیگر بررسی می‌شوند. او با مثال‌های تاریخی، روایت‌های شخصی، ارجاع به علم و پرسش‌های اخلاقی، خواننده را به مشارکت در یک تأمل گسترده دعوت می‌کند.

هرچند گستردگی چنین جستاری گاه باعث می‌شود برخی مسائل پیچیده، بیش از آنکه به‌طور تخصصی واکاوی شوند، در قالب یک چشم‌انداز کلی عرضه شوند.

بیشتر در این باره:

هوش مصنوعی؛ آیا ادبیات به دست ماشین‌ها می‌افتد؟



معلوف در گفت‌وگوها و سخنرانی‌های اخیر خود نیز، از جمله در سخنرانی سال ۲۰۲۵ پس از دریافت جایزه در نمایشگاه کتاب گوادالاخارای مکزیک، هم‌زمان از نگرانی و شگفتی در برابر جهان امروز سخن گفته است: «دوران ما شگفت‌انگیزترین دورانی است که بشریت از سپیده‌دم تاریخ تاکنون تجربه کرده و از مخاطبان‌ش خواست هم نگران باشند و هم شگفت‌زده، حتی اگر این دو حالت ذهنی با یکدیگر در تضاد باشند».

به نظر می‌رسد این دو احساس کلید ورود به جهان فکری کتاب تازه او نیز باشند.

از نگاه امین معلوف، وظیفه انسان جدید، نه متوقف کردن پیشرفت فناوری و نه تسلیم شدن در برابر آن است، بلکه یافتن راهی برای هدایت این تحول به سود انسان است. در غیر این صورت، ممکن است بشریت ابزارهایی بسازد که توانایی‌هایش را گسترش دهد، اما در نهایت جایگاه خود او را زیر سؤال ببرد.

او این هشدار را در شرایطی مطرح می‌کند که به عقیده‌اش، سرعت پیشرفت فناوری، با سرعت پیشرفت در اداره جهان و همگرایی میان انسان‌ها برابر نیست. معلوف در گفت‌وگو با شبکه پنج تلویزیون فرانسه تأکید کرد که طی حدود سی سال گذشته، شاهد انفجاری در تأکید بر هویت‌ها در سراسر جهان بوده‌ایم که انسان‌ها را از یکدیگر دور کرده است.

معلوف گفت: «بشریت با یک تناقض روبه‌روست: همه ما بسیار به هم نزدیک شده‌ایم، اما این نزدیکی لزوماً میان ما همدلی و پیوند ایجاد نمی‌کند. هرگز تا این اندازه به یکدیگر شباهت نداشته‌ایم و هرگز تا این اندازه نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد نبوده‌ایم».

معلوف در انتخاب واژه «دگردیسی» برای عنوان کتاب خود تعمد داشته است. منظور او از این واژه، تغییر تدریجی و معمولی یا صرفاً سریع‌تر شدن روند پیشرفت نیست؛ بلکه تحولی ساختاری و برگشت‌ناپذیر است، شبیه دگردیسی کرم به پروانه که در آن، شکل و ساختار موجود زنده تغییر می‌کند.

این نویسنده می‌گوید ویژگی تکنولوژی این است که نمی‌توان چیزی را پس از اختراع، دوباره به وضعیت پیش از آن بازگرداند.

همچنین ویژگی دیگر تکنولوژی‌های جدید، سرعت تحولات آن است و برای توضیح این ویژگی، به روند تغییرات هوش مصنوعی اشاره می‌کند.

به باور او، یکی از بنیادی‌ترین قابلیت‌های انسانی، یعنی استفاده از زبان، اکنون به حوزه‌ای تبدیل شده که هوش مصنوعی در آن با سرعتی حیرت‌انگیز پیش می‌رود و این سرعت نگرانی‌های عمیقی را در حوزه‌های مختلف به وجود آورده است.

آینده کار و مواضع چپ

به عنوان نمونه، در یکی از بخش‌های کتاب، معلوف به آینده کار و اشتغال انسان‌ها می‌پردازد و هشدار می‌دهد که میلیون‌ها و حتی میلیارد‌ها نفر ممکن است در سال‌های آینده نه فقط شغل خود، بلکه هرگونه «فایده اجتماعی» آشکار را از دست بدهند.

او معتقد است بحث درباره جایگزینی نیروی انسانی با ماشین‌ها، بیش از اندازه بر تعداد مشاغل متمرکز شده و کمتر به پیامدهای اجتماعی و اخلاقی این تحول توجه شده است.

در نگاه این نویسنده، کار همواره دو وجه داشته است: از یک سو، وظیفه است و از سوی دیگر، امتیازی که به فرد امکان می‌دهد احساس کند عضوی مؤثر از جامعه است. معلوف می‌گوید دستمزد تنها وسیله

تامین معاش نیست بلکه به انسان احساس مشارکت، استقلال و شأن اجتماعی می‌دهد.

از همین رو، چیزی مثل «حقوق بیکاری» چاره مسئله بیکاری نخواهد بود و اگر این کمک مالی به نشانه‌ای برای بی‌فایده‌گی تبدیل شود، این خطر وجود دارد که دریافت‌کنندگان آن عملاً به شهروندانی درجه دو بدل شوند و از نظر اقتصادی و اجتماعی به حاشیه رانده شوند.

در زمینه حل این نگرانی، معلوف می‌گوید که در جهان کنونی دیگر الگوهای فکری سابق کارایی ندارند و برای مثال، به جنبش «ماگا» در آمریکا اشاره می‌کند که به نام مبارزه با «ووکسیسم» شکل گرفت؛ پدیده‌ای که از سوی بخشی از جناح چپ حمایت می‌شد.

این نویسنده می‌گوید که اگر راهبرد جناح چپ فقط تأکید بر جوامعی چون لاتین‌تبارها، سیاه‌پوستان و دیگر گروه‌های اجتماعی باشد به نوعی فرقه‌گرایی تمایل یافته و از نخستین عامل الهام‌بخش خود که جهان‌شمول‌گرایی بود، دور شده است. این نویسنده می‌گوید که چپ باید برنامه‌ها و پیشنهادهایی برای تمام بشریت ارائه دهد، نه صرفاً برای گروه‌ها یا جمعیت‌های خاص.

چشم‌انداز «مبهم» سیاسی

در همین بستر سیاسی، امین معلوف این نکته را مطرح می‌کند که مسئله اصلی، تقابل ساده انسان و ماشین نیست؛ بلکه خطر بزرگ‌تر آن است که قدرت‌های سیاسی، اقتصادی یا جریان‌های متعصب از فناوری‌های تازه برای تحکیم سلطه خود استفاده کنند.

او از نوعی «ابهام سیاسی» نیز سخن می‌گوید؛ این که بشر در عرصه علم مرزهای پیشین را پشت سر می‌گذارد، اما رهبران سیاسی کمتر قادرند چشم‌اندازی متناسب با این تحول ارائه دهند و هشدار می‌دهد که تمدن‌های برخوردار از دانش و فرهنگ نیز ممکن است به خشونت و بربریت سقوط کنند.

معلوف می‌گوید: «یکی از درس‌های دوران کنونی این است که هیچ مسئله‌ای برای همیشه حل‌شده نیست. تغییرات واقعی‌ای در نظام‌ها و در شیوه حکمرانی‌ها در جریان است. هیچ‌چیز تضمین‌شده نیست. همه‌چیز به مبارزه‌ای مستمر تبدیل خواهد شد».

اگر امین معلوف در آثار پیشین خود نگران جهان گرفتار در تقابل هویت‌ها و قدرت‌ها بود، در کتاب «قرن دگرپرسی ما»، می‌نویسد که ادامه این تقابل‌ها در عصر فناوری‌های پیشرفته می‌تواند پیامدهایی به‌مراتب گسترده‌تر داشته باشد.

در مجموع با خواندن «قرن دگرپرسی ما»، خواننده به این فکر فرو می‌رود که در ادامه قرن بیست‌ویکم، آیا جوامع انسانی خواهند توانست هم‌زمان درباره پیشرفت فناوری از یک سو، و عدالت و همزیستی از سوی دیگر به نتیجه‌ای برسند؟

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

اندیشه

فرهنگ و هنر جهان

بایگانی